

انتخابات مبهم و پیچیده؛ سر نوشت آرای مردم چه می‌شود؟



کج اسحق علی احساس

انتخابات پارلمانی امسال، با تخطی‌ها و تخلفات زیادی پایان یافت. شهروندان افغانستان، در سی‌ودو ولایت، طی دو روز (شنبه، ۲۸ و یکشنبه ۲۹ میزان) در مراکز رأی‌دهی حضور یافتند و پس از ساعت‌ها انتظار و بلا تکلیفی، آرایشان را به صندوق‌ها ریختند. کمیسیون انتخابات، در ختم روز اول انتخابات، اعلام کرد، که از مجموع ۵۰۷۴ مرکز انتخاباتی در سراسر کشور (به استثنای دو ولایت غزنی و قندهار)، ۴۰۱ مرکز آن به دلیل نرسیدن مواد حساس انتخاباتی و تهدیدات امنیتی بسته ماندند.

۲

کشته‌شدن ۶۱ غیر نظامی در جریان برگزاری انتخابات پارلمانی

به نقل از خبرنگار، بررسی‌های گروه دادخواهی حفاظت از غیرنظامیان در مورد تلفات روزهای انتخابات در افغانستان نشان می‌دهد، که در جریان دو روز برگزاری انتخابات پارلمانی، ۶۱ غیر نظامی در سراسر افغانستان کشته شده و ۱۹۰ غیر نظامی دیگر زخم برداشته‌اند. عزیز احمد تسل، مسوول این نهاد به رسانه‌ها گفته است، ۲۵۱ غیر نظامی در روزهای برگزاری انتخابات، در حملات توپخانه‌ای، شلیک مرمی هواون و راکت و نیز انفجار مواد جاسازی شده در برخی از مراکز رأی‌دهی، کشته و زخمی شده‌اند. بر بنیاد گزارش گروه دادخواهی حفاظت از غیرنظامیان، کابل با کشته‌شدن ۱۴ غیر نظامی و زخمی شدن ۳۷ تن دیگر، بیشترین ارقام تلفات غیرنظامیان را در دو روز انتخابات پارلمانی دارد. در اثر انداخت توپخانه‌ای در ولایت قندز نیز ۷ غیر نظامی کشته و ۶ تن دیگرشان زخمی شده‌اند. در ننگرهار نیز در سه رویداد، ۶ غیر نظامی کشته و ۲۱ نفر دیگر زخمی شدند. در سه رویداد امنیتی در ولایت کنر هم ۳ غیر نظامی کشته و ۳ تن دیگر زخمی شده‌اند. به گفته‌ی آقای تسل، افراد ملکی در ولایت‌های هرات، ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، هلمند، بلخ، بغلان و ارزگان نیز از اثر انفجارهای ماین‌های جاسازی شده، آسیب‌های جانی دیده‌اند. گروه طالبان عامل اصلی این رخدادها گفته شده است.

احزاب سیاسی: آرای بایومتریک نداشته فاکت اعتبار است

دی‌روز دوشنبه، شماری از احزاب سیاسی با نشر اعلامیه‌ای اعلام کرد، که آرای مراکز که در آن‌ها از دست‌گاه بایومتریک استفاده نشده، باطل اعلام شود. به نقل از اطلاعات روز؛ در اعلامیه‌ی کمیته‌ی سیاسی احزاب و جریان‌های سیاسی آمده است: «در ۲۸ و ۲۹ میزان سیستم بایومتریک رأی‌دهندگان در اکثریت مراکز رأی‌دهی، هدفمندانه به منظور زمینه‌سازی تقلب استفاده نشده است. از این‌رو احزاب سیاسی افغانستان نتیجه‌ی انتخابات مراکز رأی‌دهی‌ای که در آن‌ها رأی‌دهی به شیوه‌ی بایومتریک نبوده، فاقد اعتبار می‌داند.» در اعلامیه گفته شده، که کمیسیون انتخابات با در نظر گرفتن خواست اصلاحی و مشروع احزاب مبنی بر باطل کردن آرای تکراری مشمول رأی اول، بی‌اعتبار شناختن مراکز رأی‌دهی‌ای که در آن رأی‌دهندگان بایومتریک نمی‌شوند و اجباری شناختن عکس رأی‌دهنده، زمینه‌ی تقلب گسترده را فراهم کرده است، که باید مسوولانه در زمینه برای شرکای انتخاباتی پاسخگو باشد. احزاب سیاسی تأکید کرده‌اند، که تأخیر در گشایش مراکز رأی‌دهی، مسدود ماندن شماری از مراکز رأی‌دهی در سراسر کشور، کامل نبودن ابزار دستگاه بایومتریک، آشنابودن کارمندان با شیوه‌ی استفاده از دستگاه بایومتریک، نرسیدن دستگاه بایومتریک به شماری از مراکز رأی‌دهی، دست‌کاری و جابه‌جایی فهرست رأی‌دهندگان، نبودن نام رأی‌دهندگان در فهرست و ... از جمله موارد غیر قابل اغماضی بوده، که شفافیت انتخابات را زیر سوال برده است. این در حالی است که انتخابات پارلمانی روز شنبه (۲۸ میزان) در ۳۲ ولایت کشور و برای دو روز برگزار شد.

انتخابات ۲۸ میزان چه‌گونه برگزار شد؟

امیر پناهیان



پس از ماه‌ها چانه‌زنی میان کمیسیون انتخابات، احزاب سیاسی، نمایندگان جامعه‌ی مدنی و سران جهادی، روز شنبه ۲۸ میزان، انتخابات پارلمانی در کابل و سایر ولایات به‌جز غزنی و قندهار، برگزار گردید. این انتخابات با توجه به حجم فشار سنگین افکار عمومی و میهم بودن فرایندهای رأی‌گیری، خالی از چالش نبود. بر اساس طرح کمیسیون انتخابات، ساعت ۷ صبح باید مراکز رأی‌دهی باز می‌گردید و تا ساعت ۴ بعد از ظهر تمامی رأی‌دهندگان به‌شمول نیروهای امنیتی و ناظرین، رأی‌شان را به نفع کاندیدای مورد نظر خویش استفاده می‌نمودند. اما آن‌چه در روز انتخابات (شنبه، ۲۸ میزان) اتفاق افتاد؛ بدین قرار بود. کارمندان به‌تأخیر آغاز به کار کردند.

مردم سالاری؛ رویایی که بر باد رفت

روستایی



نشانه‌ای این دل‌بستگی که از پیشوند و پسوند وابستگی‌های قبیلوی، زبانی، ستمی، ثروت و مهارت‌های شخصی در ساحات دور از مراکز شهری و یا در حواشی شهرها به مشاهده می‌رسید، در شهرها چندان پر رنگ نبود. در این نمایش بیست‌روزه از همه مهم‌تر، حامیان اسلام سیاسی به چالش برنامه‌ی انتخاباتی دچار دیده می‌شد. این گروه میان تطبیق شریعت و برنامه‌های نیولیبرالی که با انواع فساد و بدنامی آلوده است، در مانده به نظر رسیده و ناچار به کلی‌گویی بودند. این موضع‌گیری نشان می‌داد، که بخشی از اسلام‌گرایان، در انتخاب موضع‌شان از شرکت در انتخابات، به این نتیجه رسیده‌اند، که جنگ راه حل رسیدن به ثبات سیاسی نیست.

کمپاین بیست‌روزه‌ی انتخابات پارلمانی نشان داد، که اکثریت کاندیدای که در این مبارزات انتخاباتی شرکت داشتند، نسل جوان و دانش‌آموختگانی بودند، که در جریان فرصت کوتاه مدت یک‌ونیم دهه‌ی اخیر، به این امتیاز دست یافته‌اند. اما این نخبگان تعلیم‌یافته، که با تأثیر پذیری از فضای مسلط، با سموم باورهای تباری و زبانی آلوده‌اند، برای جلب و جذب آرای رأی‌دهندگان، بهترین شیوه‌ی مبارزات انتخاباتی را دامن‌زدن به آن منازعات کهن‌سال سیاسی، اجتماعی پنداشته و از آن مسیر می‌کوشیدند، به آرای مردم دست یابند. برخلاف گذشته، این بار نقش نخبگان سنتی، که پیشوند و پسوند عرفی داشتند، در این کارزار مسالمت‌آمیز سیاسی کمرنگ دیده می‌شد.

گپ مردم



چرا فاجعه‌ی انتخاباتی اتفاق افتاد؟

یکم: کمیسیون مستقل انتخابات، از آغاز روند ثبت‌نام رأی‌دهندگان تا ختم پروسه رأی‌دهی در شامگاه بیست‌ونهم میزان، در ثبت و درج مشخصات افراد، هرگز دقیق عمل نکرد. این مشکل زمانی برجسته شد، که صبح‌گاه بیست‌وهشتم میزان، با وصف آن‌که تعداد زیادی از مردم، با شور و شوق بسیار، به سوی مراکز انتخاباتی راه افتاده بودند و ساعت‌ها در صف رأی‌دهندگان برای استفاده از حق شهروندی‌شان، انتظار کشیدند، ولی به دلیل نبودن نام‌های‌شان در فهرست رأی‌دهندگان، از حق رأی‌شان محروم شدند و با یأس و ناامیدی به‌خانه‌های‌شان بازگشتند. بر اساس گزارش‌های تأییدشده از درون کمیسیون انتخابات، در جریان درج معلومات رأی‌دهندگان در سیستم طراحی‌شده از سوی کمیسیون، بسیاری از نام‌ها با تخمین و احتمال، از سوی کارمندان کمیسیون انتخابات، درج سیستم شده است. اطلاعاتی وجود دارد، که فهرست رأی‌دهندگان بدون این‌که به‌صورت دقیق تصحیح شود، در اختیار دفاتر ولایتی قرار داده شده است. یک بخشی از مشکل جریان انتخابات در دو روز گذشته (۲۸ و ۲۹ میزان)، از همین ناحیه ناشی شده بود. بر اساس مشاهدات ناظران و مشاهدات انتخابات و گزارش رسانه‌ها، فهرست رأی‌دهندگان ده‌ها مرکز، مشکل داشت و یا حتا اشتباه در مراکز دیگر فرستاده شده بود. هم‌چنان شکایت‌های زیادی مبنی بر این‌که نام رأی‌دهندگان در فهرست کمیسیون شامل نبود و یا اشتباه درج شده بود، در جریان انتخابات وجود داشت.

دوم: در جریان آماده‌سازی دستگاه‌های بایومتریک، کارمندان و مدیران کمیسیون، بدون این‌که دستگاه‌ها را به آزمایش بگیرند و از سلامت و جواب‌گویی آن اطمینان حاصل کنند، تمامی ۲۲ هزار دستگاه را در اختیار دفاتر ولایتی کمیسیون قرار دادند. گزارش‌های وجود دارد؛ حتا آنانی که مسوولیت تنظیم این دستگاه‌ها را به‌عهده داشته، نیز با چگونگی استفاده‌ی درست از این دستگاه‌ها، آشنایی کامل نداشته‌اند. این نشان می‌دهد، که مدیران ارشد کمیسیون، آگاهانه و به‌صورت عمد، جریان انتخابات را به‌سوی تقلب و شکست طراحی و سازمان‌دهی کرده است. اگر چنین نمی‌بود، چطور بدون اطمینان از جواب‌گویی سیستم بایومتریک، کمیسیون انتخابات تصمیم می‌گیرد، از این سیستم در روز انتخابات استفاده کند؟ رفتن به سوی یک رویداد بزرگی چون انتخابات، بدون این‌که سیستم انتخاباتی به آزمایش گرفته شود، ضعف نیست، دست کم گرفتن سرنوشت جمعی و توهین به شعور مردم است.

سوم: فراتر از این دو خیره‌سری و بی‌توجهی، اما عمده‌ترین عاملی که روند انتخابات را به فاجعه و شرم‌ساری کشاند، بی‌عراذگی حکومت و کمیسیون در امر برگزاری انتخابات سالم بود. این بی‌عراذگی تنها در جریان برگزاری انتخابات نمایان نشد، بلکه از آغاز این پروسه تا ختم آن، گام به گام در رفتارها و اقدامات فراقانونی و گاه مسخره‌آمیز کمیسیون و حکومت به چشم می‌خورد. اگر اتفاقات پیش‌آمده در روند انتخابات، مورد به مورد مرور شود، رفتارهای فراقانونی و مصلحتی کمیسیون در مواجهه با چالش‌های انتخاباتی، عمده‌ترین دلیل سقوط در چنین وضعیتی است.

با این اوصاف، اکنون مردم، حداقل دو مسئله را به‌صورت جدی پی‌گیری کنند. اول این‌که با هماهنگی گسترده، برای فشار آوردن بر حکومت، بسیج شوند و حکومت را مجبور کنند تا مدیران کمیسیون را به‌عنوان افراد بی‌کفایت و غیرصادق به ارزش‌های مردم‌سالاری و منافع ملی، به‌میز محاکمه بکشاند. در اقدام دوم، از کمیسیون شکایات انتخابات و از نهادهای ناظر ملی و بین‌المللی بخواهند؛ به شکایت‌ها، تقلب‌ها و تخلفات انتخاباتی، به‌صورت دقیق رسیدگی کنند. در غیر این صورت، جامعه‌ی جهانی و مردم، باید از همین حالا منتظر یک بحران بزرگ انتخاباتی باشند.

انتخابات مبهم و پیچیده؛ سرنوشت آرای مردم چه می‌شود؟

به دلیل عدم موجودیت یک طرزالعمل درست، هزاران تذکره‌ی جعلی چاپ و در میان مردم توزیع شد. اما کمیسیون انتخابات نه‌تنها هیچ اقدام موثر در این رابطه روی دست نگرفت، بلکه تنها نظاره‌گر خرید و فروش استکر در میان کاندیدان احتمالی و نزدیکان آنان بود. پس از آن‌که این کمیسیون، به درخواست احزاب سیاسی مبنی بر استفاده از سیستم بایومتریک در روند انتخابات، جواب مثبت داد؛ هم در جریان تهیه و تنظیم این دستگاه‌ها و هم در بخش آموزش کارمندان حرفه‌ای برای به‌کارگیری از این سیستم در روز انتخابات، بسیار ضعیف عمل کرد.

ناهماهنگی میان کمیسیون انتخابات و شکایات انتخاباتی

در دو روز گذشته (۲۸ و ۲۹ میزان)، در بسیاری از موارد، کمیسیون‌های انتخاباتی به‌شدت ناهماهنگ بود. به‌گونه‌ی مثال، اوراق شکایات انتخاباتی که از سوی کمیسیون شکایات، تهیه شده و مسوولیت انتقال آن‌را کمیسیون انتخابات به‌عهده داشت، در بسیاری از مراکز رأی‌دهی فرستاده نشده بود. به همین دلیل بسیاری از تخلفات و تخطی‌های انتخاباتی بدون این‌که از طریق اوراق شکایات، ثبت و مستند شود، توسط مایل‌ها و کامره‌های عکاسی و ویدیویی ناظران و مردم، مستند و همگانی شد. هرچند علی‌رضا روحانی، سخن‌گویی کمیسیون شکایات انتخابات، در چندین مصاحبه از کمیسیون مستقل انتخابات خواست تا اوراق شکایات انتخاباتی را در تمامی مراکز رأی‌دهی برساند، اما مشاهدان و ناظران انتخاباتی در بسیاری از مراکز تا پایان دومین روز انتخابات، از نبود این اوراق شکایت داشتند. یک بخشی از مشکلات جریان انتخابات، از همین ناهماهنگی‌ها ناشی شده بود.

با این اوصاف، مردم افغانستان، انتخاباتی را پشت سر گذاشته‌اند، که اتهامات زیادی بر آن وارد است. عده‌ای از رأی‌دهندگان و نامزدان با انتقاد از مدیریت ضعیف کمیسیون انتخابات، این روند را از همین حالا شکست‌خورده خوانده و خواهان برگزاری دوباره‌ی آن شده‌اند. عده‌ی دیگر، پروسه‌ی انتخابات را افتضاح‌آمیز خوانده و خواهان به‌دادگاه کشیدن مسوولان کمیسیون انتخابات اند. مضاف بر این موارد، صدها و هزاران قطعه عکس و بسته‌ی ویدیویی از جریان تخلفات و تخطی‌ها، از سوی مردم و ناظران انتخابات، ثبت و در رسانه‌ها دست‌به‌دست می‌شود. اکنون پرسش این است؛ در چنین یک وضعیتی، سرنوشت انتخابات چه می‌شود؟ آیا برآیند این انتخابات برای مردم افغانستان قابل قبول خواهد بود؟

بودند، مواد حساس انتخاباتی، از قبیل لیست رأی‌دهندگان، کاغذهای پرنتر سیستم بایومتریک، اوراق رأی‌دهی و دیگر مواد مورد ضرورت، موجود نبود. تعدادی از مراکز، در روز دوم انتخابات نیز با چنین مشکلاتی مواجه بود. تا ساعت‌ها پس از آغاز زمان رأی‌دهی در روز دوم، از حوزه‌های مختلف انتخاباتی، به‌ویژه نواحی حوزه‌ی انتخاباتی کابل، از نرسیدن و یا محدودبودن مواد انتخاباتی، شکایت می‌شد.

فناوری بایومتریک و عدم موجودیت کارمندان متخصص در این بخش

مشکل دیگری که در دو روز گذشته، روند رأی‌دهی را با مشکل مواجه ساخت، فناوری بایومتریک بود. در بیشتر از مراکز، هیچ کارمندی با چگونگی استفاده از این سیستم آشنایی نداشت. با وجود آن‌که کمیسیون مستقل انتخابات، از آموزش کارمندان حرفه‌ای در این بخش، سخن گفته بود؛ اما در دو روز گذشته، به دلیل عدم آشنایی کارمندان انتخابات با فناوری بایومتریک، در بسیاری از مراکز، روند رأی‌دهی با تأخیر چند ساعته روبه‌رو شد. در کنار این تأخیر، گزارش‌های تأییدشده و مستند وجود دارد، که در ده‌ها مرکز، حتا روند بایومتریک رأی‌دهندگان از طرزالعمل روز انتخابات، خارج شده است. علاوه بر این موارد، در مراکز که از سیستم بایومتریک برای درج مشخصات رأی‌دهندگان استفاده صورت گرفت هم، به دلیل عدم داشتن چارج کافی دستگاه شناخت و پرنتر ماشین بایومتریک و یا به دلیل عدم نصب درست اپلیکشن انتخابات بر روی این دستگاه‌ها، جریان انتخابات برای ساعات طولانی مختل شد. اکنون با وجود آن‌که انتخابات پایان یافته، اما هنوز هم جایگاه سیستم بایومتریک در روند انتخابات ناروشن و مبهم است. اگر بایومتریک به عنوان یک مرحله‌ی غیر قابل حذف از روند انتخابات، مطرح باشد؛ در این صورت، تکلیف آن‌عه از مراکز که از این سیستم در روز انتخابات استفاده نه کرده، چه می‌شود. ولی اگر کمیسیون لزوم به‌کارگیری از این فناوری را در جریان انتخابات، نادیده بگیرد، در این صورت آیا شفافیت انتخابات حتا به‌گونه‌ی نسبی آن، تضمین خواهد شد؟

ضعف مدیریتی کمیسیون انتخابات

در کنار دیر رسیدن مواد حساس انتخاباتی در مراکز رأی‌دهی و نبود کارمندان آشنا با سیستم بایومتریک؛ کمیسیون انتخابات در تطبیق بسیاری از پلان‌های عملیاتی و طرزالعمل‌های انتخاباتی، به‌گونه‌ی فاجعه‌باری، ضعیف عمل کرد. از آغاز روند ثبت‌نام انتخابات تا پایان آن و بعد از آن جریان پروسه مشخصات رأی‌دهندگان،

انتخابات پارلمانی ام‌سال، با تخطی‌ها و تخلفات زیادی پایان یافت. شهروندان افغانستان، در سی‌ودو ولایت، طی دو روز (شنبه، ۲۸ و یک‌شنبه ۲۹ میزان) در مراکز رأی‌دهی حضور یافتند و پس از ساعت‌ها انتظار و بلا تکلیفی، آرای‌شان را به صندوق‌ها ریختند. کمیسیون انتخابات، در ختم روز اول انتخابات، اعلام کرد، که از مجموع ۵۰۷۴ مرکز انتخاباتی در سراسر کشور (به استثنای دو ولایت غزنی و قندهار)، ۴۰۱ مرکز آن به دلیل نرسیدن مواد حساس انتخاباتی و تهدیدات امنیتی بسته ماندند. مسوولان این کمیسیون هم‌چنان اطمینان دادند، که روز دوم انتخابات، با هماهنگی و نظم بهتر برگزار خواهد شد. اما با آغاز شدن روند رأی‌دهی در روز دوم، جریان انتخابات با نارسایی‌های زیادی مواجه شد. بر اساس آمارها، از مجموع ۴۰۱ مرکز انتخابات که در روز اول مسدود مانده بود و قرار بود در روز دوم بر روی مردم باز شود، ۱۴۵ مرکز آن، هم‌چنان بسته ماند. کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی گفته است؛ از آغاز روند رأی‌دهی نزدیک به شش‌هزار مشکل، ثبت شده است. در این نوشته، درشت‌ترین موارد، مدیریت افتضاح‌آمیز کمیسیون انتخابات را بر می‌شماریم.

دیر رسیدن مواد حساس انتخاباتی

کمیسیون مستقل انتخابات در روزهای قبل از انتخابات اعلام کرده بود، که تمامی آمادگی‌ها برای برگزاری انتخابات گرفته شده است. این کمیسیون هم‌چنان گفته بود؛ ارگان‌های همکار در پروسه‌ی انتخابات، به‌صورت فعال در پیش‌برد پلان‌های عملیاتی، با کمیسیون انتخابات همکاری می‌کنند. از سویی هم، مدیران این کمیسیون، به مردم اطمینان می‌داد، که انتخابات پارلمانی ۲۸ میزان، با نظم و مدیریت خوب، برگزار خواهد شد. اما با آغاز شدن روند رأی‌دهی، آن‌چه اتفاق افتاد، افتضاح‌آمیز بود. با وجود آن‌که مردم در تمامی ۳۲ ولایت کشور، صبح زود و بدون هراس از تهدیدات امنیتی، به‌سوی مراکز انتخابات راه افتادند و صف‌های طولانی در پشت درهای این مراکز تشکیل دادند؛ اما بر خلاف طرزالعمل انتخاباتی، تا ساعت‌ها پس از زمان آغاز روند رأی‌دهی؛ تعداد زیادی از این مراکز، بر روی مردم بسته ماند. مشکل از این قرار بود، که در بسیاری از این مراکز در کنار این‌که کارمندان روز انتخابات، حضور نیافته

در دو روز گذشته (۲۸ و ۲۹ میزان)، در بسیاری از موارد، کمیسیون‌های انتخاباتی به‌شدت ناهماهنگ بود. به‌گونه‌ی مثال، اوراق

شکایات انتخاباتی که از سوی کمیسیون شکایات، تهیه شده و مسوولیت انتقال آن‌را کمیسیون انتخابات به‌عهده داشت، در

بسیاری از مراکز رأی‌دهی فرستاده نشده بود. به همین دلیل بسیاری از تخلفات و تخطی‌های انتخاباتی بدون این‌که از طریق

اوراق شکایات، ثبت و مستند شود، توسط مایل‌ها و کامره‌های عکاسی و ویدیویی ناظران و مردم، مستند و همگانی شد. هرچند

علی‌رضا روحانی، سخن‌گویی کمیسیون شکایات انتخابات، در چندین مصاحبه از کمیسیون مستقل انتخابات خواست تا اوراق

شکایات انتخاباتی را در تمامی مراکز رأی‌دهی برساند، اما مشاهدان و ناظران انتخاباتی در بسیاری از مراکز تا پایان دومین روز

انتخابات، از نبود این اوراق شکایت داشتند. یک بخشی از مشکلات جریان انتخابات، از همین ناهماهنگی‌ها ناشی شده بود.

با این اوصاف، مردم افغانستان، انتخاباتی را پشت سر گذاشته‌اند، که اتهامات زیادی بر آن وارد است. عده‌ای از رأی‌دهندگان و

نامزدان با انتقاد از مدیریت ضعیف کمیسیون انتخابات، این روند را از همین حالا شکست‌خورده خوانده و خواهان برگزاری دوباره‌ی

آن شده‌اند.

مردم سالاری؛ رویایی که...

لذا ناگزیر به انتخاب راه و روش اسلام‌گرایان در مصر، پاکستان و یا ایران گردیده و تصمیم گرفته‌اند، تا از طریق نفوذ در قوه‌ی مقننه، اسلامیزه‌سازی نظام را به تدریج فراهم سازند. گروه سوم که در این انتخابات تا حدودی پر رنگ شرکت داشتند و با افتخار از تجارب زندگی پیشین شان یاد می‌کردند، جنرالان متقاعد اردو، صاحب‌منصبان و افسران دستگاه امنیتی کشور بودند. اما این گروه از آن جایی که از خدمت درون نظام برای مردم تجارب تلخ را به میراث مانده‌اند، در افکار توده‌های عام چندان جایگاه با اعتبار نداشتند. در جریان این همایش بیست‌روزه بیشتر از همه نخبگان سنتی و سران قبایل به مشکل کمپاین انتخاباتی درگیر بودند.

این گروه که اعتبار نه چندان قابل‌تایید دارند، ناچار بودند، تا در دامن‌زدن به نفاق قبیله‌ی، قومی، زبانی و سمتی جایگاه شان را در افکار توده‌های عوام تقویه نمایند. در بهترین صورت آن‌ها به جای کار در عرصه‌ی قانون‌گذاری، نظارت بر قانون و یا دیگر وظایف یک وکیل پارلمان، وعده‌های بی‌سر و پا در موارد ارایه‌ی خدمات اجتماعی، تامین امنیت و ثبات را سر هم‌بندی کرده و از آن به عنوان بر نامه‌ی انتخاباتی شان، نام می‌بردند. در بسیاری حوزه‌های انتخاباتی، کاندیدای مستقل، نسبت به افراد وابسته به احزاب سیاسی جاذبه‌ی بیشتر داشتند. در این فضا سازی فکری نقش شبکات اجتماعی و فضای مجازی کاملن تاثیر گذار بود.

این شبکات در بسج و سمت‌وسو دهی افکار اجتماعی به‌ویژه در شهرها و ساحات قابل دسترس از موثريت خاص بر خوردار بود. جالب‌تر از همه عدم تاثیر گذاری

نهادهای مدنی و اجتماعی در این کارزار انتخاباتی بود. بسیاری از این گونه نهادها بنا به وابستگی و آلودگی به فساد نتوانستند، کم‌ترین تاثیری در فضا سازی برای افراد مورد نظر خلق نمایند. در بسیاری مراکز ولایات و به‌خصوص شهر کابل، ساکنان اصلی شهر کمتر شانس شرکت در این رقابت را داشتند، زیرا این شهروندان از یک سو به یک اقلیت کوچک تبدیل گردیده و از جانب دیگر زیر فشار جنگ و نابسامانی‌های بر خاسته از آن، اندک دست مایه‌ی مالی هم برای این مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز و اما پر خرج سیاسی را نداشتند. ساکنان کنونی شهرها و به‌ویژه نخبگان منسوب به ولایات و ولسوالی‌های ساکن در آن، با وجود آن‌که در شهر کابل مسکن گزین اند، اما با بر افراشتن بیرق‌های منسوب به ولایات و ولسوالی‌های زادگاهی شان به آخرین اهداف اجتماعی توجه و به نخستین ریشه‌های اجتماعی شان رجوع می‌نمودند.

کمتر کاندیداتوری به نظر رسید، که در نتیجه‌ی زیست باهمی هویت‌های متعدد، فراتر از هویت خاص خودش، جاذبه‌ی اجتماعی ایجاد کرده باشد. تماشایی‌تر از همه نمایش انتخاباتی و کثرت کاندیدا در غرب کابل بود. کاندیداهایی شریک در این همایش، اغلب تلاش داشتند، تا خود را مستقل و غیر وابسته جا زنند. این مانور نشان می‌داد، که دلبستگی ساکنان غرب کابل به نیروهای سیاسی سنتی به صفر تقرب کرده است. خنده‌آورتر از همه وضعیت قابل تاسف آن‌عده کاندیداهایی بود، که تا هنوز در دفاتر رهبران شان حاضر باش و کفش‌دار اند، اما در برنامه‌های انتخاباتی شان از استقلال و عدم وابستگی حمایت می‌کردند.

انتخابات ۲۸ میزان چه گونه...

مراکز توزیع شده و به دسترس کارمندان قرار گیرد. در غیر این صورت، پروسه‌ی انتخابات مختل می‌گردد. این در حالی است، که در روز رأی‌دهی در اکثر مراکز مخصوص نواحی سیزده‌هم و ششم شهر کابل، تا ساعت ۱۰ قبل از ظهر، مواد حساس توزیع نه‌گردیده و مراکز با فقدان مواد و کارمند روبه‌رو بود.

از طرف دیگر بر اساس گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی و برخی رسانه‌های عمومی، کارمندانی که در مراکز حضور داشتند؛ آشنایی اولیه با دستگاه بایومتریک و انگشت‌نگاری نداشتند، هرچند کمیسیون انتخابات از آمادگی‌های لازم در این مورد خبر داده بودند؛ اما مشکل عدم آشنایی کارمندان با سیستم بایومتریک با تمام قوت خود باقی بود. در کنار هم‌های این چالش‌ها، آن‌چه بیشتر از همه برای مردم و کارمندان درد سر ساز و بحرانی تلقی می‌گردید؛ نبود اسامی رأی‌دهندگان در فهرست ارائه‌شده از سوی کمیسیون در مراکز بود، که باعث گردید، تا تعداد کثیری از استعمال رأی‌شان محروم گردند. هرچند اعضای کمیسیون انتخابات پس از فشارهای فراوان حاضر گردید؛ تا مشخصات کسانی که در فهرست رأی‌دهندگان درج نشده بود را در اوراق جداگانه ثبت نموده و برای آنان اجازه‌ی استعمال رأی دهند، با آن‌هم آمارها نشان می‌دهد، که بیشتر افراد مخصوص در ناحیه‌ی سیزدهم شهر کابل، به‌علت نبود اسم شان در فهرست، از رأی‌دادن محروم شدند.

مشکلاتی از این دست در پروسه‌ی انتخابات به‌وضوح

رهبرزادگی نیز در کشور، جریان نو بود.

رهبران احزاب جهادی شریک در قدرت، که اکثریت اعتبار و جایگاه پیشین را از دست داده‌اند، این بار می‌کوشیدند از مسیر راهیابی فرزندان شان به پارلمان، مصونیت یابند. از این رو با دلهره و ترس، در همایشات پر خرج، پول و پلو باد کردند. به نظر می‌رسد، اگر معاملات با کمیسیون و حکومت صورت نگرفته باشد، رهبرزادگان کمتر از هر کاندیداتوری امکان موفقیت دارند. نقش رسانه‌ها کاملن قابل توجه بود. آن‌عده افراد و اشخاصی که به مثابه‌ی آگاهان امور اجتماعی و سیاسی در جریان سال‌های پسین، به رسانه‌ها تماس داشته و نگاه انتقادی نسبت به حکومت داشتند، حامیان جدی‌تری در جامعه وی را همراهی می‌کردند. شرکت در جنبش‌های اعتراضی هم، اندوخته‌های برای کمپاین تلقی می‌شد. آن‌عده افرادی که، فرصت‌طلبانه و سودجویانه در آن اعتراضات شرکت کرده بودند، از مشارکت در آن جنبش‌ها به‌خوبی بهره‌برداری سیاسی کردند. تقریب درون تمام اقوام و ملیت‌های ساکن کشور چهره‌های زیاده‌خواه در این مبارزه شرکت کرده بودند. گماشته‌پروری و حامی‌پذیری نیز در این مبارزه قابل دقت بود. توجه به جوانان و جوان‌گرایی، در افکار عامه جایگاه بلند داشت. این روحیه نشان می‌داد، که جامعه از سیاست‌گران پیشین به‌شدت خسته‌اند. در فرجام پس از هفده‌سال عبور از کنفرانس بُن‌اول، این مبارزت انتخاباتی را می‌توان جدی‌ترین نوع واکنش، نسبت به تروریسم و بنیادگرایی یاد کرد. روندی که حکومت و کمیسیون انتخاباتی بر وجهه و اعتبار آن در روز انتخابات خیانت کردند.

قابل مشاهده بود و این نشان می‌دهد، که کمیسیون انتخابات هیچ نوع آمادگی برای برگزاری انتخابات را نداشته، بلکه به‌صورت شکلی و صوری در تلاش سازمان‌دهی این پروسه به‌نفع چهره‌ها و آدرس‌های مشخصی سیاسی می‌باشد. کمیسیون انتخابات به‌رغم چالش‌های ستیزگ در عرصه‌های اجرایی و مدیریتی با چالش سیاسی نیز روبه‌رو بوده است. اعضای ارشد مدیریتی کمیسیون انتخابات به‌علت تعلقات سیاسی و سمتی‌شان، نمی‌توانند از صلاحیت و ظرفیت‌های وظیفوی خویش استفاده نموده، بلکه در گپرو مصلحت‌سنجی‌ها و ملاحظات سیاسی می‌باشند.

از سوی هم در کنار این همه نابسامانی و فقدان مدیریتی در پروسه‌ی انتخابات، برخی آدرس‌های ناظر بر روند انتخابات، معتقد اند که ترکیب فعلی کمیسیون انتخابات، ظرفیت مدیریتی و عملیاتی لازم را نداشته و این ترکیب به‌هیچ وجه نمی‌توانند؛ بحران پیچیده‌ی انتخابات را کنترل و مدیریت نمایند. انتخابات پارلمانی در حالی باچالش‌های گسترده و فقدان مدیریت کارا، برگزار می‌شود، که کشور در بخش‌های سیاسی و قانون‌گذاری با مشکلات و چالش‌های عظیم دست و پنجه نرم می‌کند. انتخابات به‌عنوان تنها درپچه‌ی ممکن به‌سوی ترقی و پیشرفت و گریز از نابسامانی‌های سیاسی، برای مردم افغانستان، مهم پنداشته می‌شد؛ اما با مشاهده و حضور در انتخابات روز شنبه، یک‌بار دیگر تمامی امیدهای روشن و آینده بهتر روند نو پای مردم‌سالاری در اذهان عمومی، به‌ابهام گراید و آینده‌ی ساختارهای دموکراتیک با تاریکی ناامیدکننده‌ی رقم خورد.

رای‌دهندگان چه می‌گویند؟

پس از آن که رأی‌های گوسفندی در صندوق به نفع اشرف غنی ریخته شد، گاوها هم به این فکر افتادند که؛ ما چرا بر نخیزیم؟ ما که از گوسفندان بزرگ‌تر هستیم. هم شیر بیشتر می‌دهیم، هم گوشت ما بیشتر است، هم تن ما بزرگ است و هم شاخ، شانه، پا و دم بلند و بزرگ‌تر داریم. حق شان هم هست. یک تاریخ است که گاوها در افغانستان شیر می‌دهند، کشته می‌شوند، همگام و همزمان با آدم‌های این آب و خاک به شهادت می‌رسند. چرا باید جایگاه و پایگاه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نداشته باشند؟ در هند گاوها به خدایی رسیده‌اند و مردم آن‌ها را می‌پرستند. اما در افغانستان هنوز هم گاو، گاو شیرده و گوشتی هست، که یا در قصابی‌ها، کشته می‌شوند یا هم در طولیله‌ها و بر سر آشخورها بسته شده‌اند، تا شیر بیشتر بدهند. دیگر نه کسی به حقوق سیاسی‌اش توجه می‌کند و نه هم به حقوق‌های شهروندی‌اش.

گوشت گاو را می‌خورید، شکم‌های تان می‌پنند. گردن تان کلفت می‌شود، در حج می‌روید، پول تان از بهای گاو و گوشت گاو تامین می‌شود، قربانی می‌کنید، گاو کشته می‌شود، از زیارت که پس می‌آید، در خانه در پیش پای تان گاو می‌کشند. گاو هیچ گاهی کمتر از گوسفند قربانی نشده است. حتی هم سرنوشت انسان بوده است، که در جاهای جنگی با انسان هم زمان کشته می‌شود و خونش بر زمین می‌ریزد. حال هم تحمل شان کنید و برای شان رأی بدهید، تا در مجلس بروند و صدای شما باشند. خیر است که پیش از این در بین شما نبوده‌اند و بیشتر با چراگاه‌ها و علف سبز سر کار داشته‌اند. می‌بینید که پول هم دارند، صدای شان شهر را به لرزه در آورده است. بوق می‌زنند و شعار می‌دهند. عکس‌های شان دیوارها و خیابان‌های شهر را به‌شدت زیر کنترل دارند و چشمان حریص شان نشانگر این هست، که از ما رأی می‌خواهند و ما هم باید برای شان رأی بدهیم. گاوها شایسته‌ی نمایندگی شما ملت غیور و شهید پرور در مجلس نمایندگان اند. به گاو ها رأی بدهید، تا فردای بهتری را تجربه کنید. به گاوهایی رأی بدهید، تا فرزندان تان را برای ادامه‌ی تحصیل در کشورهای بیرونی، اروپایی و امریکایی بفرستند، ولسوالی‌های پرنفوس تان را به ولایت تبدیل کنند و افغانستان را از وضعیت کنونی عبور بدهند. گاوها شهروندان اقتصادگر این کشور بوده‌اند و شایسته‌ی سروری و بزرگی اند.

شنبه (۲۸ میزان) با بی‌نظمی تیر شد و شمار زیادی از مردم رأی داده نتوانستند. صبح یک‌شنبه (۲۹ میزان)، روز دوم انتخابات) دوباره رقتیم در مرکز رأی‌دهی، تا بتوانیم رأی بدهیم. مردان و زنان زیادی در ردیف‌های بلند و نامنظم ایستاد بودند و تلاش می‌کردند، که از همدیگر پیشی بگیرند. تا چاشت موفق شدم، که رأی بدهم، اما خانم نازیه، نتوانست رأی بدهد. در مرکز رأی‌دهی زنان، بی‌نظمی‌های بیشتری به‌چشم می‌خورد. نازیه حتا تا شام هم نتوانست رأی بدهد. زور بازو و اخلاق بد ندارد. شام اما از دروازه‌ی مردانه وارد شد و رأی‌اش را استعمال کرد. سیستم بایومتریک هم کار نمی‌کرد و ما بدون این سیستم، یک انتخابات بی‌نظم و بی‌بایومتریک را پشت سر گذاشتیم. بی‌نظمی سیاسی و تدارکاتی بر اخلاق و نظم اجتماعی هم تاثیر کرده است و زنان و مردان دشنام‌هایی حواله‌ی همدیگر می‌کردند.

- تنها "گپ مردم" بازتاب‌دهنده‌ی موضع‌گیری رسمی نشریه است و مسئولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.
- "صدای مردم افغانستان"، از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند. اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

فیس‌بوک: هفته‌نامه صدای مردم افغانستان
آدرس دفتر: کابل، کارته - ۳، سرک شش، نزدیک ریاست پاسپورت

مدیر مسئول
عبدالخالق آزاد
شماره‌ی تماس: ۰۷۹۸۵۷۷۸۰۸
سر دبیر
اسحق‌علی احساس
ایمیل: sadaaym@gmail.com
زیر نظر شورای نویسندگان

شماره‌ی ۲۰۰ سال پنجم، سه شنبه، ۱ عقرب ۱۳۹۷ هجری خورشیدی، ۲۳ اکتوبر ۲۰۱۸ میلادی

رای‌دهندگان چه می‌گویند؟

دو روز بد و بی‌نظم؛ انتخابات

بی‌بایومتریک

امین آرمان

جمعه‌شب (۲۷ میزان)، در صفحه‌ی فیسبوکم نوشته کردم، که تذکره‌های خود را از همین امشب آماده کنید، که مباد اگر فردا نتوانید پیدا کنید. خیلی شوق داشتم و منتظر روز برگزاری انتخابات بودم. صبح‌گاه شنبه (۲۸ میزان) ساعت هشت صبح از خانه بر آمدم، تا برای رأی‌دادن در پای صندوق رأی‌دهی برویم. من و همسرم نازیه محمدی با هم بودم و با خوشحالی عکس گرفتیم و در صفحه‌ی فیسبوک پست کردیم. خوش بودیم که رأی می‌دهیم. جدا از قلب و بدی‌ها و خوبی‌های انتخابات‌های پیشین، اما در صف رأی‌دهی زیاد منتظر نمی‌ماندیم. وقتی در پیش مسجد رسیدیم، با بی‌نظمی و سر و صدایی روبه‌رو شدیم، که هرگز تصورش را نکرده بودیم. زنان در یک سو و مردان در سوی دیگر؛ همه منتظر بودند، که دروازه‌ی مسجد باز شود و رأی بدهند. خبرنگاران تلویزیون‌ها آمده بودند و از اشتراک‌کنندگان مشکل‌های هفته و موجود در محل را می‌پرسیدند. مشکل‌ها هم به حدی بود، که به یکی دو مورد خلاصه نمی‌شد. محل رأی‌دهی بسته بود و کارمندان یا نبودند یا هم در داخل مسجد بودند، که نمی‌توانستند، بدون لازمه‌های انتخاباتی کار را شروع کنند. در رسانه‌های اجتماعی، از جمله فیسبوک که می‌دیدیم؛ همه از هر سو شکایت داشتند و از انتظاری مردم و کم‌کاری و بی‌کفایتی کمیسیون انتخابات می‌نوشتند. دیدن چنین وضعیتی و چنین بی‌نظمی به شدت سرم تأثیر منفی کرد. این هیچ به یک انتخابات مدیریت‌شده و قانونی نمی‌ماند. گویی که انسان‌های دانش‌آموخته و با تجربه، هیچ در این کار دست نداشته‌اند. حتی برای چند دمی با خودم فکر کردم، که مدیریت این انتخابات در دست انسان هیچ نیست. طوری که چندی پیش در مورد کاندیدان و انتخابات چنین نوشته کردم: «گاوها کمر بسته‌اند و مبارزه می‌کنند تا در مجلس نمایندگان راه یابند».

در انتخابات ریاست جمهوری گوسفندان هم، سهم فعالی در رأی‌دادن گرفتند و تثبیت جایگاه کردند. همه شاهد هستید، که دومین دور انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ با رأی‌دادن گوسفندان رقم زده شد و "رای‌های گوسفندی" گوش‌الک و فلک را کر کرد. پس از آن حکومت وحدت ملی شکل گرفت و "جان‌کری وزیر خارجه ی پیشین آمریکا" رای گوسفندان و شهروندان انسان افغانستان را تلیق کرد، تا رضایت عبدالله و تیم‌اش حاصل شد و مردم هم هیچ چیزی گفته نتوانستند. تا امروز هم مردم از بد روزگار و از شر تروریسم و فقر، نالان و ناراضی‌اند. همان اقدام بی‌پیشینه‌ی گوسفندان باعث شد، که این‌بار گاوها بیدار شوند و برای تثبیت هویت خود تیم تشکیل بدهند.

ادامه صفحه ۳

انتخابات در سایه بی‌نظمی و تقلب؛ مشکل در چه بود؟

محمد نسیم نظری

انتخابات پارلمانی شنبه (۲۸ میزان) در اوج بحران و چالش‌های فنی و تخنیکی با حضور پرشور مردم برگزار گردید. حضور گسترده و به‌موقع مردم در سایت‌ها و مراکز رأی‌دهی، نشان‌دهنده‌ی شعور و عقلانیت سیاسی و در سطح عموم؛ بلوغ فکری و اعتقاد جدی آن‌ها را به روند و ساختارهای دموکراتیک در کشور نشان می‌دهد. مردم افغانستان با حضور گسترده در مراکز رأی‌دهی، یک‌بار دیگر حمایت و پشتیبانی شان را از ساختارهای دموکراسی و اقتدار مردمی اعلان نمودند. اما با کمال تأسف، کمیسیون مستقل انتخابات به‌علت فقدان مدیریت سالم و عدم برنامه‌ریزی دقیق انتخاباتی، در زمینه‌ی توزیع و آماده‌سازی مراکز رأی‌دهی، باعث گردیدند، تا بخشی وسیع از مردم افغانستان از حق رأی شان به‌عنوان یک امانت سیاسی و قانونی استفاده نتوانند. هر چند با تلاش‌های مردمی و برخی آدرس‌های سیاسی، بخشی از مشکلات و چالش‌های انتخابات در مراکز رأی‌دهی حل و مردم توانستند، از حق شهروندی شان برخوردار شوند، اما در برخی مراکز و محل‌های رأی‌دهی، فقدان مواد انتخاباتی، نبود کارمندان کمیسیون، نبود اسامی و مشخصات رأی‌دهنده در فهرست، عدم آشنایی کارمندان با سیستم بایومتریک، حضور ناظرین و نماینده‌های افراد زورگو و مافیاء، نبود سیستم مشخص حساب‌دهی، کمبود اوراق رأی‌دهی و مواردی از این دست، باعث گردید تا مردم به‌صورت عموم نتوانند از حق رأی‌شان استفاده کنند.

با تمام این وجود و با در نظر داشت چالش‌های عمیق در درون ساختار کمیسیون انتخابات، آن‌چه به‌عنوان مهم‌ترین سوال در اذهان عمومی مطرح می‌گردد، این است؛ که چرا حکومت افغانستان و کمیسیون انتخابات با وجود انبوهی از کمک‌های مالی و تخنیکی جامعه‌ی جهانی نتوانستند، انتخابات قابل قبول برای مردم و ناظرین بین‌المللی، برنامه‌ریزی و برگزار کنند؟ هرچند یافتن پاسخ مشخص برای این پرسش، نیازمند دقت و تحلیل تمامی پارادیم‌های دخیل در ساز و کارهای انتخاباتی بوده و مستلزم شناخت بنیادین از تمامی قواعد، دستورالعمل‌ها، ساختار کمیسیون و فشارهای سیاسی آدرس‌های دیپلماتیک و رهبران حکومت می‌باشد؛ که از حوصله‌ی این مجلد خارج است، اما آن‌چه به‌عنوان پاسخ اجمالی می‌توان به‌آن‌ها اشاره کرد، شامل موارد ذیل است:

بازی‌های پیدا و پنهان در درون ساختارهای سیاسی کشور نشان‌دهنده‌ی این واقعیت تلخ

تاریخی است؛ که تعدادی معدود از انحصار طلبان با تجمع در قدرت تصمیم‌گیری ملی و

به‌دست‌گیری منابع سیاسی و فرهنگی افغانستان، عملن در تلاش‌اند؛ تا زمینه‌های

مردم‌سالاری و وحدت ملی را در کشور مخدوش ساخته و آینده‌ی سیاسی این مملکت را در

حاله‌ای از ابهام و فراموشی قرار دهند. رهبران حکومت، مخصوصن شرکای نیم‌بند نشسته در

ارگ ریاست‌جمهوری و کاخ سپیدار با تقابل سیاسی و فکری که دارند؛ در تلاش گسترش

قدرت شخصی و تیمی شان بوده و با گروه‌گان گرفتن ارزش‌ها و منافع ملی بر سلطه‌ی قدرت

سیاسی‌شان می‌افزایند. این در حالی است، که افغانستان به‌عنوان یک جغرافیای سیاسی،

نیازمند همدلی و اتحاد ملی در تمامی سطوح و چانه‌زنی‌های سیاسی می‌باشد. تقابل سیاسی

رهبران حکومت وحدت ملی در پیچیده‌شدن انتخابات و موانع آن نقش اساسی دارد.



۱- فقدان رهبری و مدیریت سالم در درون کمیسیون انتخابات؛ شاید مهم‌ترین و جدی‌ترین موضوع در عدم برنامه‌ریزی و دقت در تحلیل ابعاد گوناگون انتخابات پارلمانی ۲۸ میزان، نبود کادر

متخصص و مسلکی در صفوف و لایه‌های بلند مدیریتی و عملیاتی کمیسیون مستقل انتخابات بوده، که باعث گردید تا مراحل روند انتخاباتی با کندی و ناهماهنگی پی‌گیری و انجام شود. رهبری فعلی کمیسیون انتخابات و ترکیب عملیاتی آن‌ها، شناخت دقیق از وضعیت جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و سازمانی افغانستان نداشته و توان تحلیل دقیق مشخصات حقوقی انتخابات را ندارند. این ترکیب به‌رغم نامتجانس بودن و فقدان اتوریته‌ی قابل ملاحظه، از نبود برنامه‌ریزی و دقت در طرح استراتژی‌های مشخص عملیاتی نیز رنج می‌برند. فقدان استراتژی مشخص برای تدوین اصول انتخاباتی و تقسیم‌بندی آن برای انجام مراحل و سازوکارهای انتخابات در سطح عموم باعث گردید؛ تا حوزه‌ها و نواحی رأی‌دهی به‌صورت دقیق شناسایی نشده و با موانع تخنیکی و فنی روبه‌رو شوند. عدم تفکیک میان استراتژی و پلان عملیاتی، نبود کادرهای متخصص حقوقی برای تحلیل ابعاد و پهنه‌های قانونی ابزارهای انتخاباتی در درون ترکیب کمیسیون انتخابات، عدم دقت در طرح و تدوین سازوکارهای مناسب برای تقسیم حوزه‌ها و مراکز، نبود مدیریت جدی و ناهماهنگی میان کمیسیونان و اعضای ارشد تصمیم‌گیری، باعث گردید تا انتخابات پارلمانی در حاله‌ای از ابهام و تقلب قرار گیرد.

۲- نبود اراده‌ی سیاسی برای برگزاری انتخابات شفاف؛ سکتورهای سیاسی مخصوصن رهبران و سران تصمیم‌گیری در درون حکومت و حلقات وابسته به‌آن‌ها در بیرون از قدرت، هیچ‌گونه اراده‌ی قاطع برای برگزاری انتخابات عاری از تقلب نداشته و ندارند. بازی‌های پیدا و پنهان در درون ساختارهای سیاسی کشور نشان‌دهنده‌ی این واقعیت تلخ تاریخی است؛ که تعدادی معدود از انحصار طلبان با تجمع در قدرت تصمیم‌گیری ملی و به‌دست‌گیری منابع سیاسی و فرهنگی افغانستان، عملن در تلاش‌اند؛ تا زمینه‌های مردم‌سالاری و وحدت ملی را در کشور مخدوش ساخته و آینده‌ی سیاسی این مملکت را در حاله‌ای از ابهام و فراموشی قرار دهند. رهبران حکومت، مخصوصن شرکای نیم‌بند نشسته در ارگ ریاست‌جمهوری و کاخ سپیدار با تقابل سیاسی و فکری که دارند؛ در تلاش گسترش قدرت شخصی و تیمی شان بوده و با گروه‌گان گرفتن ارزش‌ها و منافع ملی بر سلطه‌ی قدرت سیاسی‌شان می‌افزایند. این در حالی است، که افغانستان به‌عنوان یک جغرافیای سیاسی، نیازمند همدلی و اتحاد ملی در تمامی سطوح و چانه‌زنی‌های سیاسی می‌باشد. تقابل سیاسی رهبران حکومت وحدت ملی در پیچیده‌شدن انتخابات و موانع آن نقش اساسی دارد.

۳- تلاش برخی منابع داخلی و خارجی برای قومی‌ساختن قدرت در افغانستان؛ برخی چهره‌ها و آدرس‌های مشخص سیاسی با بی‌برنامه‌ساختن ساختار کمیسیون و زمینه‌سازی تقلب در انتخابات عملن در تلاش‌اند؛ تا ساختارهای موجود در کشور را به‌نفع یک تبار مشخص با هویت تعریف‌شده‌ی تاریخی، تغییر داده و سایر اقوام را در حاشیه‌ی قدرت و مناسبات آن قرار دهند. به‌نظر می‌رسد، مهم‌ترین عامل و یا به‌تعبیری بنیادین‌ترین بخش بحران انتخابات در افغانستان، سیاسی‌بودن بحث انتخابات بدون در نظر داشت عقربه‌های اجتماعی و فرهنگی آن می‌باشد. سیاسی‌ساختن مناسبات قدرت در سطح عموم روحیه‌ی ملی و منافع کلان سیاسی را در کشور تضعیف نموده و رگه‌های نفرت عمومی را افزایش می‌دهد.